



۱۵ سال است که زنان محله امیرالمؤمنین (ع)
هر روزشان را با آموختن آیه ها آغاز می کنند

صبحگاه قرآنی در خانه «مادر صادق»

مریم دهقان هرکسی یک قرآن که روی رحل قرار دارد، جلو خودش گذاشته و دوزانو نشسته است. یکی کلمه های هر آیه را به سختی کنار هم می نشانند تا آن را درست ادا کند و یکی روان تر می خواند. همه جور سنی هم در این جمعیت دیده می شود: از دختر ده وازده ساله گرفته تا خانم جوان سی و پنج ساله و مادر بزرگ های پنجاه شصت ساله که همسایه این کوچه و چند کوچه بالاتر حوالی گلشهر هستند. علاقه به یادگیری کلام الهی و ارادتی که به اهل بیت (ع) دارند، آن ها را سال ها است دور هم جمع کرده است و دوره قرآنی زنانه و خودمانی تشکیل داده اند. دورتادور منزل بی بی، خانم هایی نشسته اند که حتی سواد الف و لام ساده را هم بلد نبودند اما حالا بعد از روزها و هفته ها و سال ها تلاش، به همت فاطمه زارعی، مداح و معلم قرآن محله امیرالمؤمنین (ع)، همین خانم ها می توانند قرآن را به راحتی بخوانند و از این حس یادگیری لذت ببرند.



عهد
فاطمه خانم
با خدا

ماجرای شکل گیری دوره قرآن فاطمه خانم زارعی برای زنانی که علاقه به یادگیری قرآن دارند به حداقل پانزده سال پیش برمی گردد؛ زمانی که شاید فاطمه زارعی هنوز موهایش مثل امروز سپید نشده بود. او مداح اهل بیت (ع) است و در خانه و مسجد محله به دختران نوجوان و جوان، قرآن هم یاد می داد تا اینکه یک سؤال که بارها تکرار شده بود، ایده برگزاری دوره قرآن خانگی را در ذهنش حک کرد؛ «خیلی پیش آمده بود که خانم ها بعد از هر مجلسی که می رفتم، به من می گفتند احساس افسردگی می کنم، دعایی به ما یاد بده تا حالمان خوب شود». فاطمه خانم در مقابل این درخواست فقط یک پاسخ می داد: «من دعای خاصی بلد نیستم، اما بیا ببینیم شما قرآن درس بدهم. اگر باقرآن مأنوس شوید، از افسردگی نجات پیدا می کنید».

این سؤال به قدری تکرار می شود که فاطمه خانم تصمیم می گیرد بین خود و خدایش عهده ببندد و کاری برای حال ناخوش خانم های همسایه و محله اش انجام دهد؛ «گفتم خدایا من به هر مجلسی می روم، صاحب آن مجلس، به عنوان تشکر، پاکتی به من می دهد. می خواهم در خانه خودم، برای رضای توبه خانم هایی که دوست دارند، قرآن یاد بدهم. پاکت هم نمی خواهم؛ در عوض خودت هوای زندگی ام را داشته باش».

فاطمه خانم رادر محله به نام «مادر صادق» که اسم پسر بزرگش است، صدا می زنند. او درباره شروع دوره قرآن می گوید: «اوایل هرچه به خانم هامی گفتم بیایید به شما قرآن یاد بدهم، نمی آمدند. می گفتند مادر صادق، ما سواد نداریم و

نمی توانیم. می گفتم اشکال ندارد، کم کم شروع می کنیم. اصرار شروع جلسات از خانم زارعی و انکار و حس ناتوانی در خانم های همسایه تا مدتی ادامه داشت تا اینکه اولین جلسه قرآن آموزی خانگی فاطمه خانم صادق شروع شد؛ «خیلی از خانم ها که اینجامی آمدند و هنوز هم به جلسه ما اضافه می شوند. سواد الفبایی هم ندارند. بالاخره ما جلسه اولمان را با یک نفر شروع کردیم و کم کم این تعداد به پنجاه شصت نفر رسید، تا جایی که گاهی خانه، پر می شد و خانم ها دور دیقه می نشستند. الان هم گاهی کم می شوند و گاهی زیادتر».

۱۵ سال
استمرار

مادر صادق نخستین جلسات را به سختی یادش است که دقیقاً از چه زمانی شروع شد. با تردید جواب می دهد: فکر می کنم از سال ۹۰ بود که شروع کردیم. شاید هم زودتر. دقیق یادم نیست اما از آن زمان تا الان، تعداد افراد دوره بارها عوض شده است؛ بعضی که یاد گرفتند، دیگر نیامدند و ادامه ندادند. اینجاست که قرآنی به سادگی برگزار می شود. هرکسی نذری دارد، برای صبحانه می آورد. گاهی حتی نذر افراد، یک برش نان ساده است و گاهی بیشتر. قند و چای دوره هم جزو نذورات است.

فاطمه خانم درباره کم و زیاد شدن افراد دوره در طول این سال ها می گوید: سال های اول که کار را شروع کرده بودیم، وقتی بعد از مدتی آن هایی که قرآن را یاد می گرفتند، دیگر نمی آمدند، ناراحت می شدم و سراغشان را می گرفتم اما حالا دیگر این طور نیست. می گویم هرکسی روزی اش باشد، بیاید. پیر و جوان باشد بیاید، مهاجر یا ترک و لر باشد بیاید، دیر یا زود بیاید.

هر روز، یک
آیه

برگزاری دوره قرآن خانگی به سبک فاطمه خانم صبر و حوصله فراوان می خواهد. او درباره روش اجرای آن می گوید: جلسات ما هر روز صبح ساعت ۷ شروع می شود تا ۸:۳۰ ادامه دارد. هر روز هم یکی از خانم ها چند نان به نیت نذری برای صبحانه می آورد.

فاطمه خانم و خیلی از خانم های دیگر که سال ها است در این جلسه شرکت می کنند، معتقدند این جلسات روزانه بخشی از زندگی شان شده است و اگر یک روز نباشد، ناراحت می شوند. مادر صادق ادامه می دهد: هر روز ابتدا یک آیه توسط مربی خوانده می شود. بعد همه افراد جلسه، آن را به نوبت تکرار می کنند. اشکال آن ها را مربی می گیرد و تلفظ صحیحش را یاد می دهد. گاهی که آیات کوتاه باشد، چند آیه با هم خوانده می شود. پایان جلسه هم حدیث کساء یا سوره انعام یا یاسین و دعا خوانده می شود.

تقریباً در همه این سال ها جلسات در منزل فاطمه خانم برگزار شده است اما گاهی یکی از همسایه ها منزلش را در اختیار دوره قرآن می گذارد تا نوای کلام الهی در خانه او هم بیچد.

حال خوب
در کنار
آیه ها

کلاس قرآن خط قرمز فاطمه خانم شده است. او در همه این سال ها آن را ترک نکرده است و به گفته خودش، اگر کاری پیش می آمد در خانه اش به روی زنان محله باز بود تا آن را با هدایت یکی از شاگرد هایش که حالا به سطح خوبی رسیده است، اداره کند. او قرآن را نوری سرشار از معنویت می داند و می گوید: هرچه دارم از برکت قرآن دارم. من بارها به کربلا مشرف شده ام و این را از برکت این کتاب الهی می دانم. احترامی را که خانم ها به من می گذارند و گاهی روز معلم برایم هدیه ای می گیرند، از قرآن و این جلسات می دانم.

او این برکت را در کلام زنان همسایه هم دیده است: «همان ها که می گفتند افسردگی دارم، الان قرآن خوان شده اند و می گویند در زندگی آرامش داریم». او به خاطره یکی از همان زنان اشاره می کند و ادامه می دهد: یک بار خانمی آمد و مراد عا کرد و گفت «این کلاس قرآن برایم نجات دهنده بود. من قبلاً کلی قرص برای افسردگی ام می خوردم اما الان به واسطه دعا و قرآنی که می خوانم، حالم بهتر است».

به گفته فاطمه خانم «برکات قرآن زیاد است و نمی توان درباره آن توضیح داد. اما فقط می توانم بگویم هرچه دارم از قرآن دارم».

